



سخن بی عمل جامعه رابی اعتماد می کند

حرف، حرف، حرف تا کی؟... مرد عمل باش!

فاطمه زندی

انطباق نداشتن قول و عمل به قدری مذموم و ناپسند است که خداوند در قرآن کریم خطاب به کسانی که به گفته‌های خود عمل نمی‌کنند می‌فرماید: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید، نُز خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.»

خداوند با تو بیخ و سرزنش کسانی که به گفته‌های خود عمل نمی‌کنند، اعلام می‌کند که از نشانه‌های مهم مؤمنان راستین این است که گفتار و کردارشان هماهنگ باشد و هر قدر انسان از این

تصمیمات تا عملی نشوند، هیچ ارزشی ندارند

خودمان را با حرف زدن فریب ندهیم، تصمیمات و حرف‌ها تا وقتی به مرحله عمل نرسند گویا هیچ‌گاه وجود نداشتند و بیان نشدند، در تعالیم قرآنی و حتی ادبیات ما معیار نهایی دستایی به نتایج و کامیابی عمل فرد است، البته اندیشه، عمل درست را نشان می‌دهد، اما تا وقتی نمود عملی پیدانکند این اندیشه ثمری ندارد چون این عمل و کار است که به افکار و حرف‌ها قابلیت آشکار شدن، واقعی شدن و دیده شدن می‌بخشد. فردی را در نظر بگیرید که صداگلاس آموزشی و مهارتی دیده است، اما مادامی که این دانش و مهارت خود را نتواند به صورت عملی و اجرایی نشان دهد نمی‌تواند مزدی بابت مهارت‌هایی که در ذهن دارد، دریافت کند و این مهارت و دانش، فاقد ارزش است، اگر این باور و اصل را در ذهن خود نهادینه کنیم که تصمیمات و افکار در صورت عملی شدن ارزشمند هستند و ماندگار و مؤثر واقع می‌شوند آنگاه انگیزه و تلاش ما برای انجام آن تصمیم مضاعف می‌شود و تا آنها را در مرحله عمل نرسانیم آرام و قرار نمی‌گیریم، در این صورت پس از مدتی دیگر به انجام عمل فکر نمی‌کنیم، بلکه با عمل زندگی می‌کنیم، چراکه یک فرد عملگرا لحظه به لحظه افکارش را به مرحله اجرا می‌گذارد و ادعاها، اظهارنظرها و قضاوت‌ها بدون پشتوانه عملی برای او کوچک‌ترین ارزشی ندارد.

سبک مراقبت

یکی از مصادیق بسیار مغرب ایمان در محبت سخن بدون عمل، خلف وعده است و در آموزه‌های اسلامی تا حدی مذموم و ناپسند شمرده شده که در بسیاری از روایات و آیات از آن به عنوان ویژگی متناقض یاد شده است:

پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید:«متناقض کسی است که هر گاه وعده دهد خلف وعده کند و هر گاه سخنج بگوید دروغ گوید و هر گاه امانتی به او سپارند خیانت ورزد.»(بخارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۰۷) بنابراین یکی از ملزومات اساسی ایمان و صداقت واز مهم‌ترین آداب معاشرت با مردم وفای به وعده است. در واقع مؤمن کسی است که اگر وعده‌ای به دوستان و خویشاوندان خود می‌دهد یا با خدای خود عهدی می‌بندد جامه وفا بر وعده و عهد خود می‌پوشاند. در اهمیت و حیاتی بودن این امر همین بس که در روایات آمده است اگر بین خود و حتی دشمنتم بی‌مانی بستنی یا تعهدی کردی که به او پناه دهی، بر عهد خود وفادار باش و تعهدات خود را محترم بشمار و حتی جان خود را سپر تعهدات خویش قرار بده! ■ ■ ■

وفای به عهد بستر ساز اعتماد در جامعه است
ضمن سلامت یک جامعه، وجود اعتماد افراد به یکدیگر در آن جامعه است. پایه‌های جامعه‌ای که سایه بی‌اعتمادی در آن حاکم باشد سست و متزلزل است و هر چه دایره بی‌اعتمادی افراد به یکدیگر گسترده‌تر شود احتمال فروپاشی و نابودی آن جامعه بیشتر می‌شود، زیرا اعتماد مانند نخ تسبیح عامل نگهداری

سخن بی عمل؛ عامل بی‌اعتمادی مردم
شاید جملاتی نظیر «طرف، طرف، مسرد عمل نیست» یا «حرفش، حرف نیست» را گاهی از زبان دیگران در باره فردی شنیده باشید. جملاتی که بی‌اعتمادی سایرین نسبت به آن فرد را به دلیل عدم انطباق قول با عملش حکایت می‌کند. حرف بی‌بودن و در عین حال، در عرصه عمل لنگ زدن و پا پس کشیدن بسترساز بی‌اعتبار کردن شخصیت ما نزد دیگران است، به گونه‌ای که دیگر کسی روی حرف ما حساب باز نمی‌کند و ما را به عنوان فردی غیر متعهد و مسئولیت‌ناپذیر می‌شناسند.

از طرفی شیوع سخن بی عمل در جامعه کم کم سبب می‌شود جامعه به بیمباری خطرناک بی‌اعتمادی دچار شود و از ارزش و نفوذ سخنان اقصادی هم که به گفته‌هایشان عمل می‌کنند کاسته شود، به طوری که مردم دیگر به سخنان اشخاص مؤثر و دلسوز که به گفته‌هایشان عمل می‌کنند بی‌اعتماد می‌شوند و در نتیجه در سخن زیبا و پر معنی نژد مردم بی‌معنا جلوه خواهد کرد.

تخریب پیل ارتباطی بین حرف و عمل علاوه بر اینکه نسب بروز آسیب‌هایی به روابط زندگی اجتماعی می‌شود بلکه ترکش‌های جدی هم به زندگی فردی و روحی فرد وارد می‌کند. ایجاد فاصله بین حرف و عمل پس از مدتی این احساس و باور را در ما شکل می‌دهد که در انجام کار ها و رسیدن به اهداف خود ضعیف و غیرمتعهد

اصل دور باشد از حقیقت ایمان دور شده است. گفتار بدون عمل از سوی هر گوینده‌ای که باشد نه تنها ارزش ندارد، بلکه ضد ارزش است و باعث ناخشنودی خداوند می‌شود. سخت‌ترین حسرت روز قیامت نیز برای افرادی است که عملشان با گفتارشان مطابقت ندارد، البته مراد از عمل کردن به سخن، نه سخنان نادرست و بی‌پایه، بلکه سخن درست است. از طرفی منظور از «سخن و حرف زدن» هم کلماتی است که از دهان خارج می‌شود و هم کلماتی که نوشته می‌شود. به عنوان مثال تانکون فکر کرده‌ایم که شعارها ایمان در دنیای مجازی، چقدر با رفتارمان در فضای حقیقی شباهت دارد؟ (مانند داستاتک معروفی که مادر تنها کتخ خانه نشسته است و

هستیم، در نتیجه با رؤیاپدازی روزافزون و فریه کردن دایره حرف‌هایمان در مورد اهداف و رؤیاهایمان سعی در تسکین عذاب وجدان خود می‌کنیم، چون اهل حرف بودن آسان است، ولی اهل عمل بودن مستلزم تلاش، مخاطره و تغییر است که به غلط خود را در خور آن نمی‌دانیم. از سویی کسی که کاری انجام نمی‌دهد، غالباً اهل انتقاد است و علت سکون، توقف و حتی عقبگرد خود را در دیگران و شرایط می‌بیند.

اهدافت حرف نزن!

انسان هر چه بیشتر سخن بگوید، کمتر ذهن را به عمل متمرکز می‌کند. دم زدن از تصمیمات و اهدافمان برعکس آنچه تصور می‌کنیم مانند یک سرعت گیر عمل می‌کند که از سرعت انگیزه و عزم اولیه ما برای رسیدن به اهدافمان می‌کاهد.طبق علم روانشناسی هنگامی که فرد از اهداف و تصمیمات خود برای انجام کاری صحبت می‌کند مغز او به طور ناخوداگاه فریب می‌خورد و آن کار مورد نظر را انجام شده تصور می‌کند، در حقیقت تا حدودی رضایت درونی و هویت فردی انسان ارضا می‌شود، بنابراین از انگیزه و بالطبع از عزم و اراده انسان برای عملی کردن تصمیم مورد نظر می‌کاهد و در نهایت این امر مانع از سخنکوشی لازم برای رسیدن به آن اهداف می‌شود. از طرفی اگر این روند به موقع رفع نشود پس از مدتی به یک عادت رفتاری و سپس به یک نوع اعتیاد تبدیل می‌شود که فرد تا در مورد هر آرزو و هدف

سبک زندگی

سبک زندگی۸۸۴۸۴۷۱

حرف و عمل مؤمن در مسیر اخلاق است حرف خوب بزنیم، کار خوب کنیم

■ مهدی اسماعیل تبار

حرف زدن در مورد کار خوب بسیار آسان‌تر از انجام آن است. همه ما حرف زدن را خوب بلدیم و حتی گاهی تبحر خاصی در آن داریم،اما وقتی پای عمل به میان می‌آید ناتوان‌ترین شخص می‌شویم. عمل نکردن به گفتار دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد که یکی از آنها ناتوانی است. یکی از توانایی‌های لازم برای عملگرا بودن کسب مهارت‌های عملی است. گاهی تمام عمرمان می‌گذرد،اما کماکان مهارت لازم در نه گفتن، اراده قوی داشتن، نظم و برنامه‌ریزی، مهارت حل مشکلات و بسیاری از توانایی‌های دیگر را کسب نکردیم. یک باور غلط در ذهن ما نهادینه شده است که آموزش تئوری در زمینه خاصی به تنهایی برای عملگراییی کردن افراد در آن زمینه کافی است!

این معضل نه تنها در خانواده که بنیان اصلی تربیت فرزند است، وجود دارد،بلکه در ابعاد گسترده‌تر یعنی در سیستم آموزشی، مدرسه و دانشگاه هم رخنه کرده است و بخش مهم آموزش مهارت‌های عملی در حوزه‌های مختلف و گسترده سبک زندگی، اخلاق، همسرداری و... مغفول مانده است و در خوش‌بینانه‌ترین حالت تنها به آموزه‌های تئوری اکتفا می‌کنیم.

■ عمل، میزان و معیار فرد است

رفتار ما انسان‌ها براساس افکارمان شکل می‌گیرد،یعنی فکر و جهان بینی شخصی، عملکرد و عمل آدم را شکل می‌دهد. از سویی در بسیاری از مکاتب مانند مکاتب فلسفی بر عملگرایی و اهل عمل بودن بسیار تأکید شده است. در ادبیات کشورمان هم بر این نکته تأکید شده است که از حرف تا عمل، فاصله زیادی است. اگر کسی در حوزه‌های مختلف مدعی باشد اما نسبت به افکار و ادعاهای خود در عمل پایبند نباشد قطعاً این خلأ شخصیتی در او به وجود می‌آید.از طرفی چون گستره فکر نامحدود است انسان می‌تواند در حوزه‌های مختلف مدعی باشد. در بسیاری از آموزه‌های ادیان که کامل‌ترین و جامع‌ترین آنها دین اسلام است عملکرد را میزان قرار داده‌اند.

■ چرا عمل معیار و ارزشمند است؟

رفتار و عملکرد دو ویژگی دارد که در فکر و

حرف نداردیم. رفتار قابل سنجش، اندازه‌گیری و مشاهده است، اما فکر را کسی نمی‌تواند

بسنجد و اندازه‌گیری و مشاهده کند البته در محضر اسلام نیت هم مهم است. ریشه

این بحث در واقع به زیرساخت‌های ذهنی و اهمیت نیت بر می‌گردد. اگر کسی عمل مثبت اما با فکر و نیت بد داشته باشد آیا نتیجه

خود با کسی صحبت نکند آرام و قرار نمی‌گیرد، اما اگر به چنین رفتاری عادت کردیم به گونه‌ای که نتوانستیم جلوی خود را بگیریم، برای درمان حداقل باید از کلماتی استفاده کنیم که رضایت‌مندی کمتری در مغز ما ایجاد کند تا به مرور زمان این رفتار شبیه نزولی پیدا کند تا به نقطه صفر برسد و ترک شود.

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

شاید برای هر کدام از ما بارها پیش آمده است که یک عمل نیک فردی بسیار مؤثرتر و نافذتر از چندین سخنرانی برای ما بوده است. به عنوان مثال کسی که نماز سر وقت می‌خواند و برای نمازش ارزش قائل است به مراتب در دیگران مؤثرتر است تا اینکه ساعت‌ها درباره نماز اول وقت سخنرانی کند ولی برای نماز خود ارزشی قائل نشود؛ در واقع دعوت‌کننده‌ای که فاقد عمل باشد مانند تیراندازی است که کمان او زده ن‌دارد!

البته در این جا مقصود از عمل نیک، عملی است که با نیت خالص و خیر انجام شود و در آن هدفی شوم و ناپسند وجود نداشته باشد. از طرفی این عمل نیک با نیت الهی علاوه بر اینکه بر دیگران مؤثر است در خود فرد هم اثر مثبت و سازنده ایجاد می‌کند، بنابراین اگر بخواهیم هم در دیگران تأثیر بگذاریم و هم در زندگی خود تغییر مثبت و حتی رشد شخصیتی و اخلاقی داشته باشیم، نه با حرفای و رؤیاپدازی، بلکه باید با عمل خود به این مهم برسیم.



■

مؤمن کسی است که دیگران از

قدم، قلم، عمل و حرف‌های او در

امان باشند.با توجه به آیه قرآن

مبنی بر «فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا»

انسان‌ها هم می‌توانند فحجور باشند

و هم تقوا داشته باشند. فجور به

این معنی که هم در عملگرایی و

هم در حرف زدن از مسیر اخلاق

دور باشند، بنابراین عمل و حرفی

در ست است که در مسیر اخلاق

انسانی در هر مکان و زمانی باشد

■ زمینه‌های روانشناختی خلف وعده

اگر چه برای پدیده منکر و ضد اخلاقی عهدشکنی می‌توان عوامل مختلفی را برشمرد ولی مهم‌ترین آنها را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد:

۱- بی‌اعتنایی به حقوق دیگران: کسانی که برای عهد و پیمان با دیگران ارزش قائل نمی‌شوند در حقیقت برای شخصیت و حق آنها اهمیتی قائل نیستند.اگر فرد برای حقوق دیگران مساوی یا بیشتر از حقوق خویش ارزش قائل شود به طور یقین برای وعده با آنها نیز ارزش و احترام قائل خواهد بود.

۲- غفلت از محضر الهی: آنان که خود را بی‌بوسته در محضر خدا می‌بینند در تمامی کردار خود و از جمله وفای به عهد، خدا را در نظر گرفته و به نحو شایسته عمل می‌کنند، در حالی که غفلت از محضر خداوند موجب پشت پا زدن به ارزش‌های اخلاقی و از جمله وفای به عهد است.

۳- تثبیت یک عادت: از حیث فرهنگی ما وابسته به یک جامعه با مردم رذ و بدل می‌شود، قول و قرارهایی است که پشتوانه آن اصول اخلاقی است، به این منظور که شخص التزام و تعهداتی را بر اساس شرافت و کرامت انسانی می‌پذیرد و خود را متعهد و ملزم به انجام آن در آینده می‌داند، اما اگر خلف وعده کند و به عهد خود جامه عمل نپوشاند، آثار این رفتار ضد اخلاقی در همه زندگی بشر از جمله اقتصاد، سیاست و تجارت خود را نشان می‌دهد،چرا که خلف وعده به شدت موجب فرسایش ایمان می‌شود و علاوه بر اینکه روی خود فرد تأثیر می‌گذارد بر روان، اخلاق و رفتار اطرافیان و سایرین نیز اثر سوء و بد می‌گذارد.

۴- ضعف مبانی ایمان: نوعی همبستگی میان درجه ایمان آدمی و پایبندی وی به تعهدات اجتماعی در قبال دیگران وجود دارد، لذا در نشانه شناسی افراد با ایمان به پایبندی به میثاق تأکید شده است همانطور که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:« رعایت پیمان از لوازم ایمان است.»